

منسوخ و مانع توسعه



اگر کسی اکنون درست به سبک نوشتاری ۶۰ سال پیش مقاله بنویسد، مخاطبانش را به شگفتی و خواهد داشت. اگر کسی اکنون از ابزارهای رایج ۶۰ سال پیش برای انجام کارهایش استفاده کند، همکارانش در عقلایی بودن عمل او به طور جدی تردید روا خواهند داشت و اگر کسی اکنون به شیوه ۶۰ سال پیش لباس بپوشد، دوستانش به او خواهند خندید. راستی را اگر قانون حاکم بر روابط بخش گسترده‌ای از فعالیتهای جامعه بر چارچوبهای ۶۰ سال پیش استوار باشد، مردم شگفتزده خواهند بود یا...؟! در این شماره دیدگاههای کارشناسان شرکت‌کننده در جلسه بررسی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ و اصلاحات سال ۱۳۴۷ را خواهید خواند.

شلیله:

از شما به خاطر قبول زحمت شرکت در این گفتگو سپاسگزاریم. چنانکه آگاهید موضوع بحث امروز ما بررسی مقررات قانون تجارت در زمینه شرکتهاست. از آقای سلامی خواهش می‌کنم بحث را آغاز کنند.

سلامی:

پیشنهاد می‌کنم آقایان نظرشان را به طور کلی در مورد قانون تجارت سال

شرکت‌کنندگان:

- فریبرز امین
- منوچهر رزبان
- غلامرضا سلامی
- سیروس شمس
- سیامک شهریاری
- فریدون کشانی
- شریک مؤسسه حسابرسی رایمند
- مدیر حسابرسی (سازمان حسابرسی)
- مدیر حسابرسی
- عضو هیئت عامل سازمان حسابرسی
- کارشناس مالی
- مدیر حسابرسی (مؤسسه حسابرسی آزمون)

۱۳۱۱ و اصلاحیه سال ۱۳۴۷ آن بیان بفرمایند. منتها همان طور که آقای شلیله گفتند بحث را در زمینه حقوق شرکتها و بویژه شرکتهای سهامی محدود می‌کنیم. چرا که ارتباط بیشتر حسابداران و حسابرسان با این بخش از قانون تجارت است. حتی به نظر برخی حقوقدانها، حسابداران در این زمینه‌ها بیش از تحصیلکردگان حقوق آگاهی دارند. افزون بر این درخواست من این است که آقایان ضمن ارائه نظرشان در موارد پیشگفته چنانچه انجام تغییرات مهمی را در این قانون ضروری می‌دانند مطرح کنند.

آنکه اولاً این قانون اقتباس از قوانین کشورهای دیگر است که ممکن است مصادیق یا شمول آن ارتباط چندانی با فعالیتهای تجاری ایران نداشته باشد و از سویی دیگر ۶۰ سال از زمان تصویب آن گذشته و چنانچه بتوان به تسامح گفت که این قانون در آن زمان برای تنظیم روابط تجاری در ایران اثربخش بوده، به دلیل وقوع تحولات بعدی و واقعیتهای این زمان اکنون اثربخشی خود را به میزان درخور توجهی از دست داده است. شاید نیاز به یادآوری نباشد که اصلاحیه این قانون در سال ۱۳۴۷ نیز تغییر چندانی در چارچوب نخستین قانون پدید نیاورد.

سال می‌گذرد و آشکار است که طی این مدت شیوه، روابط و مناسبات تجاری در ایران دستخوش تحول و دگرگونیهای شکلی و محتوایی چشمگیری شده است. تجارت و قانون تجارت اکنون از روابط و مناسبات فرد با فرد یا مناسبات خرده بورژوازی و اشکال ساده معاملات فراتر رفته و صورتی سازمانی به خود گرفته است. برخی از مؤسسات اقتصادی عملکردی بین‌المللی دارند و نظام تجاری ایران با نظام تجارت بین‌المللی پیوند خورده است. در نظام پیچیده تجاری ایران در زمان حاضر دیگر روابط طرفهای معامله چهره به چهره نیست، بلکه سیستم و سازمانهای تجاری و اقتصادی هستند که به وسیله سیستمهای اطلاعاتی و از آن میان سیستمهای اطلاعات حسابداری مربوط، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و بسیاری از حقوق، تکالیف و مسئولیتهای سازمانهای طرف معامله درون این شبکه ارتباطی و اطلاعاتی مطرح می‌شود، و موجودیت پیدا می‌کند و به تعیین چارچوبهای حقوقی و ضمانت اجرای قانونی نیاز دارد. صاحب نظران حاضر در این جلسه و همکاران ما در حرفه، بخوبی آگاهند که قانون حاضر تا چه میزان با چنین کارکردهایی فاصله دارد.

کشانی:

به مطالب جامعی که آقای امین گفتند این را اضافه می‌کنم که متأسفانه در قوانینی هم که بعد از تصویب قانون تجارت وضع شده، به مفاد و مقررات ورق بزنید

فریرز امین

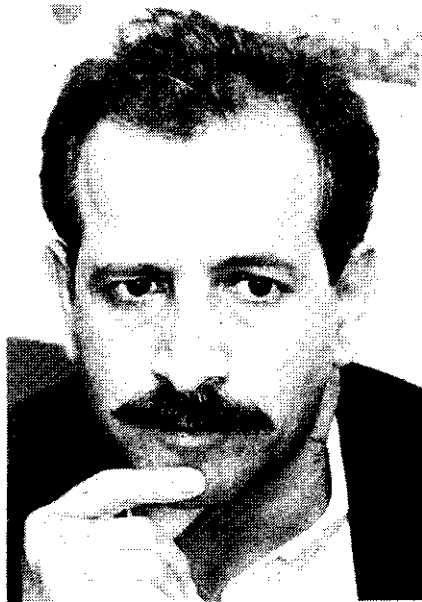
بلکه تنها مقررات مربوط به شرکتهای سهامی در آن مورد اصلاح قرار گرفت و تازه از زمان انجام این اصلاحات هم ۲۵



غلامرضا سلامی

امین:

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ از قوانین تجارت اروپا اقتباس شده است. یعنی



سیامک شریاری

این است که در این جلسه تنها به بررسی مسئله‌ای خاص و البته فراگیر مانند مقررات مربوط به بازرس قانونی و وظائف و ویژگیهای آن پردازیم.

شمس:

در تأیید سخنان آقای امین که به نارسائیهای قانون تجارت در زمینه ارتباطات و مبادلات تجاری بین‌المللی اشاره کردند، باید در نظر داشت که در شرایطی که موضوع اقتصاد آزاد و روابط تجاری بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به صورتی جدی مطرح است قانون تجارت کنونی به دلیل اشکالات و ابهامات فراوان آن می‌تواند مشکلات زیانبار درخور توجهی در کار گسترش این‌گونه ارتباطات پدید آورد. من فکر می‌کنم اگرچه سازمانهای ذیربط مانند انجمن حسابداران خبره ایران و بویژه سازمان حسابرسی با این‌که تاکنون به روشهای گوناگون رسالت حرفه‌ای خودشان را در راستای آگاه کردن مسئولین و دستگاههای ذیربط از نارسائیهای یاد شده ایفا کرده‌اند اما

قانون تجارت توجه نشده است، از جمله در قانون مالیاتها مقرراتی پیشبینی شده که با مقررات قانون تجارت در تضاد است. افزون بر این من بر بخشی از نظرات آقای امین تاکید خاص دارم و آن ناکارا بودن این قانون در مورد فعالیتهای شرکتهای خارجی در ایران است. از این نظر من هم معتقدم که قانون تجارت مورد عمل کنونی ما به کار تنظیم روابط و تأمین ضمانت اجرای تکالیف و مسئولیتهای روابط تجاری گسترش یافته داخلی و خارجی نمی‌آید و حتماً باید مورد تجدیدنظر بنیادی قرار گیرد. این را هم یاد آور شوم که به دلیل تغییراتی که از زمان تصویب قانون تجارت تاکنون در اصول و روشهای حسابداری پدید آمده، در این ارتباط نیز باید تغییرات مناسب در قانون ایجاد شود.

شریاری:

انتقاد دیگری که علاوه بر انتقادات وارد بر قانون تجارت به وسیله آقایان بر این قانون وارد است، تغییرات بنیادی است که طی سالهای پیشگفته در اصول مدیریت ایجاد شده است. البته آقایان به خاطر دارند که ده - دوازده سال پیش یک‌بار مسئله تجدیدنظر در قانون تجارت مطرح بود و پیشنهادی هم تهیه شده که گویا به تصویب نرسید یا به‌طور کلی مورد توجه و بررسی قرار نگرفت. حتی به نظر می‌رسد که در زمان حاضر هم این مسئله مطرح است. منتها کسی از اقدامات احتمالی در جریان آگاهی ندارد. به‌هر حال پیشنهاد من

بازهم وظیفه دارند که در این مورد پیشنهادهایی به دولت و مجلس شورای اسلامی ارائه کنند و به‌رغم این‌که قبلاً هم این‌گونه پیگیریها انجام شده و به‌نتیجه نرسیده بازهم به‌صورتی پیگیرانه در این مورد اقدام کنند.



منوچهر رزیان

رزیان:

البته من هم اصلاح قانون تجارت را بسیار ضروری می‌دانم، منتها اگر قرار باشد که چنین کاری انجام شود، باید با نظر حقوقدانان برجسته و صاحب‌نظران حرفه‌ای و اقتصاددانان ذی‌صلاح صورت گیرد، نه این‌که مانند پاره‌ای قوانین، تنها به‌صورتی عجولانه به‌انجام برخی اصلاحات مقطعی پرداخته شود. من به حکم تجربه‌های گذشته در این‌گونه موارد،

همواره از این بیم داریم که یا به یک‌سری اصلاحات موردی و مقطعی دست‌زده شود یا آن‌که دوباره به اقتباس از قوانین دیگری که احتمالاً شرایط به‌وجود آمدنشان ارتباطی با شرایط کنونی کشور ما ندارد پرداخته شود. بویژه آن‌که به‌نظر من قانون تجارت ایران با درنظر گرفتن ضرورت توجه به مسائل شرعی دست‌کم از این نظر با مشکل چشمگیری روبه‌رو نیست. به‌رحال پیشنهاد من این است که یکباره چارچوب کلی قانون را به‌هم نزنیم، بلکه آن را بخش‌بخش بررسی کنیم و اصلاحات لازم را در آن انجام دهیم.

سلامی:

جمع‌بندی اظهارنظرهای آقایان تا این قسمت از بحث، بیانگر آن است که همگی متفق‌القولند که قانون تجارت ما نیاز به تغییر دارد و دلایلی نیز در تایید این نظرها ارائه شد که افزون بر دلایل ارائه شده، باید به تحولات تکنولوژیکی جهان نیز اشاره کرد، بویژه به پیشرفتهای نیم‌قرن اخیر که چون سرچشمه این تحولات انتفاع بوده است و به‌طور معمول به‌وسیله کلان‌شرکتها در جهان انجام شده، ساز و کار تجارت دستخوش تحولات اساسی شده است؛ رویدادی که، چنانکه آقایان آگاهی دارند، سبب شده است که قانون شرکتها در انگلستان و قوانین همانند در سایر کشورها، بارها مورد تجدیدنظر قرار گیرد. مسئله نارساییهای قانون تجارت تنها محدود به این نیست که روابط، مسئولیتها و

تکالیف و حقوق تجاری نامشخص است، که اگرچه خود این‌گونه نارساییها دشواریهای زیادی در پی دارد، اما فراتر از اینها از این نظر در بسیاری موارد با نبود مقررات و ضمانت اجرای مؤثر در مورد حقوق شهروندان یا دولت روبه‌رو



سیروس شمس

هستیم. یعنی چنانچه دعوایی بین تاجری ایرانی و خارجی مطرح باشد، قوانین تجاری ما مقرراتی در این زمینه پیشبینی نکرده و ساکت مانده است. چنانچه ما بارها در دادگاه لاهه با این‌گونه موارد روبه‌رو بوده‌ایم و قانون ما نسبت به این موارد ساکت بوده است. به این دلیل ما با اختلافاتی روبه‌رو بوده‌ایم که به‌رغم آن که محل اجرای قرارداد در ایران بوده یا حتی محل ثبت شرکت خارجی طرف قرارداد در ایران بوده، اما

چون در این‌گونه موارد قانون تجارت ما ساکت بوده است، احقاق حق طرف ایرانی بدرستی امکانپذیر نشده است. در این موارد ناچار شده‌ایم به مقررات حقوق بین‌الملل یا رویه‌های حقوقی دیگر کشورها تکیه کنیم. اما علاوه بر مسائلی که آقایان گفتند می‌توان از نارساییهای مشخص دیگری هم در قانون تجارت ایران یاد کرد. از جمله نبود مقرراتی در این قانون در زمینه گروه شرکتها و پیشبینی نشدن مقرراتی در زمینه ادغام شرکتها. اما با توجه به وقت محدودی که از جلسه باقی مانده است، پیشنهاد می‌کنم به بررسی آن دسته از مقررات قانون تجارت پردازیم که حرفه ما به صورت روزمره با آن درگیر است. یا به بیان دیگر سبب ایجاد اختلالاتی در نظام حرفه، تأثیر و کارایی آن شده است. از شمار این نارساییها باید از مقررات مربوط به بازرس قانونی شرکتها یاد کرد. در این زمینه فرض بفرمایید در قانون پیشبینی شده باشد که گزارش بازرس باید در مجمع قرائت شود و تصویب حسابها بدون قرائت گزارش بازرس امکانپذیر نیست. اما ملاحظه کرده‌اید که گاه بازرس در مورد حسابها ۵۰-۶۰ شرط قرار می‌دهد یا آن که حسابها را رد می‌کند، و مجمع همین حسابها را تصویب می‌کند. یعنی آن‌که به این ترتیب بازرس نقش مؤثری ندارد یا هیچ‌گونه ضابطه یا ضمانت اجرایی در مورد نقش وی موجود نیست. مسئله ورق بزیند



فریدون کشانی

کشانی:

افزون بر مسئله‌ای که آقای امین در مورد نبود مقررات مناسب برای مواردی که بازرس قانونی حسابهای شرکت را مردود می‌داند گفتند، باید به نادیده گرفتن حقوق سهامداران و اشخاص ثالث در مواقعی که مجمع بدون توجه به نظر بازرس قانونی حسابها را تصویب می‌کند اشاره کرد. از جمله در این موارد باید به حقوق دولت (مالیات) و سازمان تأمین اجتماعی و مانند اینها نیز نظر داشت. به علاوه در این قانون محدوده بررسی و اظهار نظر بازرس قانونی نیز نامشخص است. اما به نظر من در مورد ایجاد تغییرات مورد نیاز در قانون تجارت باید توجه داشت و هشدار داد که با استناد به این تجربه که تغییرات انجام شده در قوانین مرتبط دیگر در سالهای نزدیک قانون تجارت را در موقعیتی نامناسبتر از گذشته قرار داده است، اگر قرار است قانون تجارت تغییر داده شود این کار باید بر پایه‌ای درست و دقیق استوار

بین‌المللی است. این امر ممکن است از لحاظ ملی درست باشد و ضرورت دخالت ملت در کار دولت را نشان دهد، معهذاً آقایان آگاهند که هر زمان در دعای مطرح شده در دادگاه لاهه مقرر می‌شود که موضوع به داوری ارجاع شود، هیئت ایرانی باید از مجلس اجازه بگیرد. در حالی که این‌گونه مقررات به‌طور کلی در قوانین دیگر کشورها وجود ندارد. برگردم به پیشنهاد آقای سلامی و موضوع بازرس قانونی را بیشتر بررسی کنم. در ماده ۱۴۸ قانون تجارت آمده است که بازرس قانونی باید در مورد صحت و درستی حسابها اظهار نظر کند در حالی که تعریفی از صحت و درستی به‌دست نداده است. اگر منظور از صحت و درستی انطباق روشهای تنظیم حسابها با اصول پذیرفته شده حسابداری است که در شرایطی که برای قبول سمت بازرس قانونی در قانون پیشبینی شده، چنین صلاحیت تخصصی برای بازرس قانونی در نظر گرفته نشده است. در ماده ۱۵۲ قانون تجارت پیشبینی شده است که تصویب صورتهای مالی مشروط به قرائت گزارش بازرس قانونی است اما در مورد این که اگر بازرس قانونی حسابهای شرکت را رد کرد، مجمع عمومی چه تکلیفی دارد، ساکت است. ماده ۱۵۶ قانون یاد شده معاملات بازرس با شرکت را منع کرده است. حال ابهامی در این زمینه رخ می‌نماید که اگر بازرس فردی حرفه‌ای بود آیا می‌تواند در چارچوب خدمات حرفه‌ای، خدمات دیگری به شرکتی که بازرسی قانونی آن را برعهده دارد ارائه کند یا نه.

مهم دیگری که در قانون تجارت به آن توجهی نشده است، حقوق سهامداران جزء است. آگاهید که چنانچه بازرس قانونی شرکت حسابهای شرکت را رد کند اما ۵۱ درصد سهامداران به تصویب آن رای دهند، حسابها تصویب می‌شود و به این ترتیب حقوق سهامداران جزء نادیده گرفته می‌شود.

امین:

بنابر آنچه گفته شد به نظر می‌رسد بتوان گفت که قانون تجارت ما برای نظارت و تنظیم روابط تجاری کنونی اعتبار ندارد. به‌عنوان مثال در اجرای پیشنهاد آقای سلامی بررسی این قانون در موارد مهم از جمله بازرس قانونی نه استقلال بازرس را در نظر گرفته است و نه صلاحیت تخصصی او را. یا برداشت این قانون از حسابداری در حد دفترداری است. قانون تجارت ما در قرن اطلاعات و پیشرفتهای چشمگیر در تکنولوژیهای اطلاعاتی هنوز حکم به پلمب کردن و قیطان کشیدن دفترها می‌دهد. متأسفانه به‌رغم تجدید نظرهایی که در سالهای نزدیک در قانون مالیاتها شده، می‌بینیم که این قانون نیز هنوز تحت تأثیر برداشتهای منسوخ شده قانون تجارت است و براساس آن آئین‌نامه اجرایی تحریر و ثبت دفاتر قانونی تنظیم کرده است. از جمله نارساییهای مشخص دیگری که در مناسبات تجاری ما وجود دارد، و ما به‌صورت گسترده‌ای در لاهه با آن روبه‌رو بودیم، الزام کسب اجازه از مجلس شورای اسلامی در زمینه ارجاع حل اختلافات به داوری در دعای

باشد وگرنه تغییرات موردی در قوانین بر سیاق گذشته هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد.

شهریاری:

البته باید توجه داشت که بررسی دقیقتر وظایف بازرس قانونی در قانون تجارت نشان می‌دهد که دامنه بررسیها و اظهارنظر بازرس افزون بر صحت و درستی حسابها، صحت و سقم عملیات شرکت و عملکرد مدیران را هم دربر می‌گیرد. آشکار است که بررسی این‌گونه موارد و اظهارنظر در مورد آنها به صلاحیتهای تخصصی گسترده‌ای نیاز دارد که چنانکه گفته شد در قانون پیشبینی نشده است. به‌عنوان مثال چنانکه از فحوای قانون برمی‌آید، اگر مدیران شرکتی سیستم کنترل کیفیت محصولات مؤسسه را کارآمد گزارش کردند، بازرس قانونی مکلف است در مورد درستی یا نادرستی گزارش مدیران اظهارنظر کند.

شمس:

جالب است که حتی در متن اصلاحیه قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۳، آمده است که این قانون به‌منظور اجرای آزمایشی تدوین شده است. یعنی آنکه حتی در آن زمان نیز قانونگذار به کارآیی این قانون اطمینان کافی نداشته است. و به‌هرحال ملاحظه می‌فرمائید که اجرای آزمایشی قانون دست‌کم تاکنون نزدیک به ۳۰ سال به‌طول انجامیده است. به‌نظر من نارساییهای عمده قانون تجارت را بویژه

در مورد بخش شرکتهای سهامی، مقررات مربوط به تشخیص صلاحیت و انتخاب بازرسان، تهیه حسابها و صورتهای مالی و گزارشهای هیئت مدیره، شکل، شیوه ارائه و محتوای گزارشهای بازرسان، جرائم و مجازاتهای مربوط و نبود ضمانت

نظام حرفه‌ای پیشبینی و نحوه نظارت بر اجرای آن نیز مشخص شود. آقایان مطلعند که در بیشتر کشورهای جهان ضرورت انجام حسابرسی واحد اقتصادی و ویژگیهای حسابرسان ذیصلاح برای این کار در قانون تجارت یا قانون شرکتهای این کشورها پیشبینی



اجرای بسنده تشکیل می‌دهد. از همین‌رو این قانون حتماً باید به‌طور اصولی مورد بررسی قرار گیرد و اصلاح شود و مقررات کافی در زمینه نظارت و تنظیم امور و روابط تجاری گروه شرکتهای در آن پیشبینی شود. افزون بر این پیشنهاد من این است که در قانون تجارت شخصیتی یگانه برای بازرس و حسابرس در نظر گرفته شود. همچنین به‌نظر من حسابرسی شرکتهای پرفعالیت از یک مقیاس به بالا به‌وسیله حسابرسان ذیصلاح باید الزامی شود و مقررات مربوط به‌همراه مقررات تشخیص صلاحیت بازرس و حسابرس را باید در چارچوب مقررات قانونی

شده است. به‌علاوه سالهاست که در بیشتر کشورهای جهان تشکلهای حرفه‌ای حمایت شده به‌وسیله قانون پدید آمده و تنها اعضای این‌گونه نظامهای حرفه‌ای برای انجام وظایف بازرس و حسابرس مجاز شناخته شده‌اند.

رزبان:

مسئله مهم دیگری که در قانون تجارت به آن توجه کافی نشده است، مسئله معاملات با اشخاص وابسته است. مقرراتی که در ماده ۱۲۹ قانون در این باره پیشبینی شده، تنها معاملات مدیرعامل و ورق بزیند

اعضای هیئت مدیره و وابستگان درجه یک آنها با شرکت را مورد توجه قرار داده است. در حالی که با توجه به تغییراتی که در اداره امور تعداد درخور توجهی از شرکتهای و ارتباطات آنها با یکدیگر به وجود آمده، طیف و تنوع اشخاص وابسته بسیار گسترده تر شده است و وقتی که ما حساببران، معاملات شرکت با اشخاص وابسته را که در ماده ۱۲۹ پیشبینی نشده است مطرح می کنیم مجامع شرکتهای با استناد به این که این گونه موارد در قانون پیشبینی نشده و شما نیز به عنوان حسابرس حق تفسیر قانون را ندارید به آسانی از کنار آن می گذرند در حالی که بین تعدادی از شرکتهای دولتی با شرکتهای دولتی دیگر که سهام آن را در اختیار دارند یا به گونه ای تأثیر عمده بر خط مشیهای آن دارند معاملاتی خارج از روال عادی صورت می پذیرد و با استناد به دلایل برشمرده بالا متأسفانه مورد تصویب مجمع قرار می گیرد و به این صورت حقوق دیگر سهامداران نادیده گرفته می شود.

شمس:

نکته درخور توجه دیگر در این قانون جرایم و مجازاتهایی است که برای تخلف از مقررات قانون پیشبینی شده است. آشکار است که جریمه مناسب برای سال ۱۳۱۱ اکنون کمترین تأثیری در خودداری مضمولان این قانون از تخلف از آن ندارد. چنانکه به رغم تخلفات بیشماری که در زمان اجرای این قانون به وسیله مدیران شرکتهای انجام گرفته بندرت مدیری مورد مؤاخذه و

مجازات قرار گرفته است. برای آشکار ساختن اهمیت این امر می توانم به آماري که هیئت عالی نظارت سازمان حسابرسی ارائه کرده است، استناد کنم و آن این که در نزدیک به ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ گزارش حسابرسی که سازمان حسابرسی در هریک از سالهای ۶۵ تا ۷۱ در مورد شرکتهای تحت پوشش ارائه کرده است. در هر سال به طور متوسط ۸۰۰۰ تخلف از قانون تجارت گزارش شده است.

سلامی:

بنابر آنچه گفته شد ضرورت تغییر قانون تجارت تردیدناپذیر می نماید. در نتیجه پرسشی که اینجا پیش می آید این است که چرا تاکنون تغییرات مورد نیاز در این قانون انجام نشده است. به نظر من نیاز به تغییر قوانین در صورت روبه رو شدن با دو گونه موقعیت احساس می شود. یکی زمانی که تعداد دعاوی مطرح شده در دادگاهها در موضوع آن قانون بیش از حد پیشبینی پذیر و متعارف باشند و تسری مقررات قانونی مربوط به دعاوی مطرح شده به آسانی یا به طور کلی امکانپذیر نباشد. و دیگر زمانی که برنامه ریزیهای استراتژیک جدیدی در چارچوب موضوع قانون در کشور طراحی شود و برای ایجاد ضمانت اجرای کافی، تغییر مقررات قانونی مربوط ضروری تشخیص داده شود. در مورد اول به شهادت اطلاعات در دسترس دعاوی درخور توجهی در این زمینه در دادگاهها مطرح نشده است اما علت این امر، نه کارایی قانون، بلکه از

ناکارایی و ضعف بنیادی و بی اثر بودن آن در تنظیم و نظارت بر روابط تجاری است. به عنوان مثال در قانون تجارت ایران مسئله عدم النفع مطرح نشده است و اگر کسی موفق شود خسارتی از این محل دریافت کند کار شگفت انگیزی کرده است. چرا که در قانون جز مورد رقابت مدیران با شرکت، که در این صورت مدیر مسئول جبران خسارت وارد است، پیشبینی دیگری نشده است و تازه در اینجا هم منظور از خسارت وارد، وارد شدن زیان به شرکت است که تنها تا اندازه ای از مفهوم آن می توان عدم النفع را برداشت کرد. به علاوه در چارچوب رویه های حقوقی جاری چنانچه کسی استحقاق دریافت خسارت وارد به خود را داشته باشد، باید ۴ - ۵ سال موضوع را پیگیری کند و تازه چنانچه طرف دعوا به پرداخت خسارت محکوم شود، مبلغ دریافتی به قیمت های ۵ سال پیش خواهد بود که با توجه به نرخ بالای تورم و هزینه هایی که برای طرح و اقامه و پیگیری دعوا باید متحمل شود، جبران خسارت واقعی وارد به او را نخواهد کرد. در حالی که بنابر مفهوم عدم النفع باید زیانهای مالی سرچشمه گرفته از بموقع دریافت نشدن خسارت نیز جبران شود. در مورد دوم هم یعنی ایجاد ضمانت اجرای قانونی برای اجرای برنامه ریزیهای استراتژیک در سطح کشور و بویژه در مورد برنامه ریزیهای رشد و توسعه اقتصادی هم که ضمانت اجرای آن در موارد بیشمار در چارچوب قوانین تجاری امکانپذیر است، اصولاً در ایران توجهی به ارتباط ضمانت اجرای برنامه ها



و قانون مربوط نمی شود. به هر حال چنانچه قرار شود که قانون تجارت ایران با شرایط کنونی و آینده پیشبینی پذیر تطبیق داده شود، پرسشی مهم رویاروی حرفه ما مطرح خواهد شد که من می گویم آن را پیشاپیش بازگو کنم و آن پیشبینی رعایت اصول، ضوابط و روشهای حسابداری در قانون تجارت است. از جمله ایجاد ضمانت اجرای اصول، ضوابط و استانداردهای حسابداری و حسابرسی به وسیله قانون. آقایان آگاهند که دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد، یکی دیدگاهی که بر پیشبینی اصول و استانداردهای حسابداری و حسابرسی در قانون تأکید می کند که از پذیرش عام برخوردار نیست چرا که اصول و استانداردهای حسابداری و حسابرسی با سرعت بیشتری تغییر می کنند در حالی که قوانین در پذیرش تحولات کندکارترند. اما دیدگاه دومی نیز وجود دارد که پیشبینی مقرراتی را در قانون برای ارجاع وظیفه تدوین و نظارت بر کار حرفه ای به نظام یا انجمنی حرفه ای توصیه می کند. به هر حال من پیشنهاد می کنم که در این جلسه این موضوع نیز بررسی شود.

امین

اشاره به تخلفهای بیشمار از اجرای مقررات قانون تجارت شد که می توان گفت آنچه خلاف شمرده شده است، در واقع خلاف نیست. چون قانون مقرراتی دارد که اجرای آنها امکان پذیر نیست. از جمله در قانون آمده است که بازرس باید نسبت به گزارش هیئت مدیره به

استانداردها تحول بپذیرد. بلکه تنها کافی است وظیفه تدوین و نظارت بر اصول و موازین حرفه ای در قانون تجارت به سازمان یا جامعه حرفه ای مشخصی تفویض شود و یا اجرای مقررات قانونی کنونی یعنی قانون تأسیس و اساسنامه سازمان حسابرسی اجرا شود. البته همان طور که اطلاع دارید در زمان حاضر سازمان حسابرسی بنابر قانون تأسیس و اساسنامه مربوط به عنوان مرجع رسمی تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در ایران شناخته شده است.

سلامی:

البته ما در حسابداری یک رشته اصول و مفاهیم بنیادین داریم که اعتبار آنها تردیدناپذیر است. از جمله اصل اهمیت و مسئله افشاء، که بویژه با توجه به سطح دانش و فرهنگ ما باید مورد توجه قرار گیرند تا سهامداران ایرانی با دانش معمول و متوسط بتوانند از گزارشهای مالی یا حسابرسی استفاده کنند. در حالی که بررسیهای انجام شده در زمینه چگونگی استفاده سهامداران از اطلاعات حسابداری و گزارشهای حسابرسی در بورس اوراق بهادار گویای آن است که از اطلاعات یاد شده استفاده ورق بزنید

مجمع از جمیع جهات اظهار نظر کند و ملاحظه می کنید که چنین اظهار نظری مستلزم احاطه و تسلط بازرس بر موضوعهای تخصصی و تکنیکی است و حتی اگر از کارشناس هم در هر مورد بهره بگیرد باز باید از یک سری توانائیا و دانش عمومی در زمینه های مختلف برخوردار باشد، در حالی که در قانون در زمینه صلاحیت بازرس جز این که مجنون و دیوانه نباشد، هیچ گونه شرط دیگری پیشبینی نشده است. اما در برابر پرسش آقای سلامی در زمینه نحوه تضمین اجرای اصول و استانداردهای حسابداری و حسابرسی در قانون، من با پرسش دیگری روبه رو می شوم و آن اینکه در شرایطی که هنوز استانداردهای پذیرفته شده ای در جامعه حرفه ای ما وجود ندارد، آیا می توان از نحوه تضمین اجرای آنها در قانون صحبت کرد؟

شمس:

من در مورد پیشنهاد آقای سلامی در زمینه طرح اصول و استانداردهای حسابداری در قانون تجارت به همان دلیلی که ایشان هم به آن اشاره کردند، با این روش موافق نیستم. چرا که قانون نمی تواند به سرعت تغییر و تحولات

چندانی نمی‌شود. و دلیل این چگونگی آن است که در واقع اطلاعات گزارشهای نامبرده به شکل کنونی آن قابلیت استفاده مؤثر ندارند. از این رو من تأکید دارم که رعایت آن دسته از اصول و مفاهیمی که آگاهی جامعه از وجود آنها ضروری است تا آنجا که دست و پای مرجع تدوین‌کننده استانداردها را به نحوی نبندد که تغییر استانداردها، تغییر در قانون را ضروری سازد، در قانون تجارت پیشبینی شود. دوستان استحضار دارند که حسابداری ایران در واقع بیشتر برای پاسخ گفتن به الزامات قانون مالیاتها شکل گرفته است. و عملاً تاکنون کاربرد مؤثر دیگری نداشته است. درحالی که چنانچه مقرراتی در جهت رعایت و ضمانت اجرای اصول و موازین بنیادین حسابداری در قانون تجارت پیشبینی شود، در این صورت حسابداری و رعایت اصول و موازین آن از حد پاسخ گفتن به نیازهای اطلاعاتی مراجع مالیاتی که در حد خود ضروری و معتبر است فراتر خواهد رفت و در جایگاه واقعی خود قرار خواهد گرفت. مناسب می‌دانم در تایید عرایض مثالی بزنم. ما در ایران حسابداری پیمانکاری نداریم، چرا که دست‌کم تا سال ۱۳۶۶ مالیات درآمد پیمانکاری به صورت علی‌الرأس تشخیص و محاسبه می‌شد. این مثال، آشکارا نشان می‌دهد که حسابداری ما تا چه اندازه تحت‌تأثیر قانون مالیاتهاست. اگر رعایت اصل احتیاط در قانون تجارت پیشبینی شود در آن صورت مقرراتی خلاف این اصل

را نمی‌توان در قانون مالیاتها پیشبینی کرد. که تنها ذخیره‌ای پذیرفتنی است که معادل آن وجه در بانک سپرده شود و یا مدارک و مستندات برای ضروری بودن آن ارائه شود. چه اگر از نظر مدیریت مؤسسه اقتصادی گرفتن ذخیره ضروری است و با اصول و موازین حسابداری نیز تناقضی ندارد، ذخیره گرفتن توجیه‌پذیر است.

شمس:

اگرچه در برخی از کشورها اصول بنیادین و حتی فرم صورتهای مالی در قوانین تجاری یا قوانین شرکتهایشان پیشبینی شده است، اما من بازهم به دلیل این که اصلاح قوانین در ایران دست‌کم تاکنون با دشواریها و موانع زیادی روبه‌رو بوده، و نیز به این دلیل که تحولات سریعی در اصول و موازین و روشهای حسابداری روی می‌دهد، چنین اقدامی را توصیه نمی‌کنم. بلکه تنها پیشنهاد می‌کنم که در قانون تجارت اجرای مصوبات سازمان حسابرسی یا جامعه حرفه‌ای قانونی الزامی شناخته شود.

شهریاری:

یکی از علل نارسایی قوانین ما و از جمله قانون تجارت که در گذشته وجود داشته و هم‌اکنون نیز وجود دارد، استفاده نکردن از نظر کارشناسان ذیربط و ذیصلاح در زمینه تدوین قانون است. این چگونگی سبب می‌شود که قوانین ما بدون توجه به واقعیتها وضع شود و زمینه بروز مشکلاتی را در زمان اجرا

فراهم سازد. افزون بر این به‌طور کلی قوانین در ایران برای رفع برخی مشکلات حاد یا برآوردن نیازهای مبرم موردی تدوین یا اصلاح می‌شود. به نظر می‌رسد نیازی به گفتن نباشد که قوانین باید به کار تنظیم و سازماندهی ارتباطات اجتماعی ویژه‌ای برای تحقق هدفهای فراگیر درآینده بیاید. از این رو انجام این کار با شتابزدگی و بدون یاری گرفتن از نظر کارشناسان ذیربط و ذیصلاح امکان‌پذیر نیست. مناسبترین مثال در این زمینه را می‌شود از میان صحبت‌های آقای سلامی یافت از جمله اگر در زمان بررسی و تصویب اصلاحات قانون تجارت در سال ۱۳۴۷ به ضرورت کاربست اصول و استانداردهای حسابداری توجه می‌شد و تشکیل جامعه‌ای حرفه‌ای برای تدوین و تجدیدنظر در آنها پیشبینی می‌شد، به احتمال زیاد اکنون نظام حرفه‌ای ما بسیار پیشرفته و کارآتر از وضعیت کنونی آن بود.

شلیله:

مناسب می‌دانم که به عنوان ماهنامه حسابدار این پیشنهاد را به جلسه ارائه کنم که افزون برآنچه درباره نارسائیهای قانون تجارت گفته شد، به نظر می‌رسد در این جلسه به علل ساختاری پدید آمدن این نارسائیها نیز توجه شود. شرکت‌کنندگان محترم آگاهند که در زمانهای نزدیک تحولات بیسابقه و چشمگیری در عرصه‌های مختلف اما مرتبط با نظام تجارت و بازرگانی جهان روی داده است

که اگر نگوئیم ایران به طور کلی از جریان این تحولات بازمانده دست‌کم می‌توان گفت به هیچ روی با کم و کیف آنها همگام نبوده است. مانند تحولاتی که در زمینه اطلاعات و اطلاع‌رسانی، تکنولوژی و بازار سرمایه و اقتصاد پدید آمده است. در حالی که ساختار بازار سرمایه ایران هنوز ساختاری کاملاً سنتی است. از دو بخش اقتصاد ایران، بخش دولتی تاکنون بیشتر به درآمد نفت و کسر بودجه متکی بوده است و بخش خصوصی اقتصاد که در سالهای نزدیک کوچکتر بوده و به سمتگیریهای سنتی گرایش داشته است. منظوم از طرح این مسئله این است که شکل و محتوای قانون تجارت ما نیز به‌طور طبیعی تحت تأثیر نظام تجاری و ساختار بازار سرمایه در ایران است و تا زمانی که این ساختار دستخوش دگرگونی و پیشرفت نشود، انتظار تحولی بنیادی در قانون تجارت چندان واقعینانه به‌نظر نمی‌رسد.

سلامی:

نکته درخور توجه این که هدفهای انجام اصلاحات سال ۱۳۴۷ قانون تجارت دقیقاً همان هدفهای مورد توجه آقای شلیله یعنی توسعه بازار سرمایه بود و پیشبینی ایجاد شرکتهای سهامی عام و طبقه‌بندی شرکتهای به شرکتهای عام و خاص بیشترین بخش اصلاحات قانون را در سال یاد شده تشکیل می‌دهد. منظور از این اقدامات هم جذب سرمایه‌های خرد به بازار سرمایه و کارا کردن آن بوده است. بعد هم که

نتیجه مورد انتظار از اصلاحات قانون تجارت بدست نیامد، قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تدوین و تصویب شد. چرا که شرکتهایی که در اجرای اصلاحات سال ۱۳۴۷ قانون تجارت ایجاد شدند باز ۸۰ یا حتی ۹۰ درصد سهامدارانشان ۳ - ۴ نفر بودند. اگرچه شرکتهای سهامی عام با تعداد زیاد سهامدار هم وجود داشت اما شواهدی در دست است که شمار درخور توجهی از آنها شرکتهایی خانوادگی بود که برای حفظ ظاهر قضیه، تعدادی از سهام آنها در بورس عرضه می‌شد. حتی تعدادی از شرکتهای سهامی عام هم که برای استفاده از امتیازات مربوط به شرکتهای دارای سهامداران بیش از ۱۰۰۰ نفر، به ظاهر سهامداران متعددی داشتند از سهامداران خود اقرارنامه‌هایی گرفته بودند مبنی بر اینکه سهام به امانت در اختیار آنها قرار گرفته است. به همین علت در قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی پیشبینی شده بود که شرکتهای یاد شده موظف به فروش ۴۹ درصد سهام خود به کارگران و سایرین هستند. به هر حال به نظر من چنانچه اصلاحات سال ۱۳۴۷ با دقت و در چارچوبهای درستی انجام شده بود، بازار سرمایه توسعه می‌یافت.

شلیله:

البته به‌نظر من تدوین و تصویب قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی بیشتر یک کنش سیاسی بوده تا سیاست

اقتصادی توسعه‌آفرین یا سیاستی برای جذب سرمایه‌های خرد. چرا که مؤسسان و سرمایه‌گذاران اصلی شرکتهای سهامی، بیشتر موارد از راه معاملات خارجی سود می‌بردند تا از انجام فعالیتهای اقتصادی در داخل کشور، و چون سرمایه‌گذاران اصلی سود چشمگیری از این راه کسب می‌کردند آنچه برای سهامداران عادی باقی می‌ماند، جز در مواردی اندک چندان درخور توجه نبود. به هر حال به نظر می‌رسد فرض واقعینانه‌تر این است که تحولات اقتصادی، قوانین مناسب خود را پدید می‌آورند و بعید است که قوانین بتوانند تحولات اقتصادی ایجاد کنند.

شهریاری:

به نظر من هر دو حالت مورد نظر آقای سلامی و شلیله می‌تواند روی دهد. تردیدی نیست که هدف تدوین قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی گسترش مالکیت و توسعه بازار سرمایه بود اما به هر حال موفقیت‌آمیز نبود. منتها ترفندهای سیاسی که ممکن است از راه وضع قوانین مربوط صورت پذیرد، می‌تواند جامعه را در راستای توسعه سرمایه‌گذاری هدایت کند، منتها اگر زمینه و شرایط اقتصادی به اندازه کافی مناسب نباشد یا قوانین مربوط دقیق و درست تدوین نشود، هدفهای مورد نظر تحقق نخواهد یافت.

رزیان:

چون فرصت چندانی تا پایان جلسه باقی نمانده است من نظر کلی خودم را بقیه در صفحه ۹۰